



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده حکمت معاصر
گروه فلسفه دین

معرفت‌شناسی اختلاف‌نظر در باور دینی

مصالحه‌گرایی در برابر نامصالحه‌گرایی

استاد راهنما:

دکتر محمود مروارید

استادان مشاور:

دکتر محسن زمانی

دکتر زهرا مبلغ

پژوهشگر:

غزاله حجتی

تیرماه ۱۳۹۷

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده حکمت معاصر
گروه فلسفه دین

معرفت‌شناسی اختلاف‌نظر در باور دینی

مصالحه‌گرایی در برابر نامصالحه‌گرایی

استاد راهنما:

دکتر محمود مروارید

استادان مشاور:

دکتر محسن زمانی

دکتر زهرا مبلغ

پژوهشگر:

غزاله حجتی

تیرماه ۱۳۹۷

سپاسگزاری

در نگارش این رساله بیش و پیش از هر چیز مدیون آقای دکتر محسن زمانی هستم، به خاطر وقتی که برای آموزش من صرف کرد (بیش از ۳۰ جلسه دو ساعته) و برای دقت و مسئولیت‌پذیری‌اش که تمام چکیده‌هایی را که از منابع مختلف نوشتم خواند و اصلاح کرد و متن نهایی رساله را نیز چندین بار مطالعه و اصلاح کرد و نکات بسیاری را گوشزد کرد. از آقای دکتر محمود مروارید صمیمانه متشکرم که با وجود مشغله بسیار، راهنمایی این رساله را به عهده گرفت. از ایشان ممنونم که امکانی فراهم کرد تا رساله در مسیر خوبی پیش رود و برای اصلاح آن کمک بسیاری کرد. متن را به نحو یکپارچه‌ای مطالعه و تمام اغلاط و کاستی‌های آن را مشخص کرد.

طرح این پژوهش با پیشنهاد و کمک آقای دکتر بابک عباسی نوشته شد و ایشان بود که این موضوع را به من پیشنهاد کرد. از ایشان به خاطر زحماتی که کشید و نکاتی که در جهت بهتر شدن متن گفت تشکر می‌کنم.

از خانم دکتر مریم قبادی، رئیس پیشین پژوهشکده حکمت معاصر، نیز بسیار متشکرم که همواره کوشید تا آرامشی نسبی در این پژوهشکده برقرار کند، امور دانشجویان را مدبرانه پیگیری و اصلاح کند و مشوق و دلگرم‌کننده آنها باشد. یقیناً آشنایی و حضور ایشان بهترین خاطره‌ای است که من از دوران تحصیل در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی دارم. از خانم دکتر مریم صانع‌پور، رئیس فعلی پژوهشکده حکمت معاصر، نیز بسیار ممنونم برای مساعدت‌هایی که در مورد برگزاری جلسه دفاع در تاریخ مقرر کرد. از همسرم دکتر امیرحسین خداپرست بسیار سپاسگزار و قدردانم. او بود که این رساله را از مرحله نگارش طرح‌نامه تا تهیه مقاله و نگارش و بازبینی همه فصول خواند و ویرایش کرد.

از جناب دکتر آزادگان که داوری این رساله را به عهده داشتند و با علاقه و دقت کل رساله را مطالعه کردند و با طرح پرسش‌هایی به بهتر شدن این متن کمک کردند، بسیار متشکرم. همچنین، از جناب دکتر اکبری داور دیگر این رساله نیز بسیار ممنونم. ایشان که در مقاطع مختلف تحصیل نیز حق آموزگاری بر من داشتند، در داوری رساله و اصلاح آن کمک بسیاری کردند. در پایان از دوستان عزیز و محترم در نشر کرگدن، به ویژه آقای دکتر حسین شیخ‌رضایی، بسیار سپاسگزارم که در طول مدتی که مشغول نگارش رساله بودم با من همکاری کردند و وجودشان مایه دلگرمی بود.

چکیده

اختلاف نظر از پدیده‌های متعارف و مشهود در زندگی روزمره است. گرچه ممکن است اختلاف نظر با دیگری در نگاه نخست فاقد اهمیت معرفتی به نظر آید، برخی از معرفت‌شناسان در سال‌های اخیر نشان داده‌اند که اختلاف نظر بین همتایان معرفتی مهم است و در شرایطی می‌تواند به‌تنهایی دلیلی برای نقض باورهای فرد به دست دهد. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های اختلاف نظر معرفتی اختلاف نظر دینی است. نامصالحه‌گرایان معتقدند اختلاف نظر با همتای معرفتی ناقض توجیه باور شخص، از جمله باور دینی او، محسوب نمی‌شود یا ناقضی است که خود نقض می‌شود. از این رو، پس از بروز اختلاف نظر، شخص همچنان می‌تواند موضع دینی خود را به نحو موجهی حفظ کند. در سوی دیگر، مصالحه‌گرایان بر آن‌اند که اختلاف نظر با همتای معرفتی ناقض توجیه باور شخص، از جمله باور دینی او، است، به نحوی که توجیه آن را تضعیف می‌کند یا حتی به‌کلی از بین می‌برد. در این شرایط، آنان دست کشیدن از باور را توصیه می‌کنند که می‌تواند به صورت تعلیق داوری یا پایین آوردن سطح اطمینان به باور یا پذیرفتن باور طرف مقابل خود را نشان دهد. نامصالحه‌گرایان بر مبنای «توجیه آسان»، «شکاکیت» و «تناقض با خود» علیه مصالحه‌گرایان استدلال می‌کنند، اما پاسخ‌های عرضه‌شده از سوی مصالحه‌گرایان نشان می‌دهد نه تنها هیچ‌یک از این سه دلیل نمی‌تواند نادرستی مصالحه‌گرایی را اثبات کند، بلکه رویکرد مصالحه‌گرایانه از اختلاف نظر معرفتی و نحوه مواجهه با آن تبیین بهتری به دست می‌دهد. بر همین اساس، مصالحه‌گرایی دینی نیز بر نامصالحه‌گرایی دینی مرجح است. با این حال، اشکال‌های مطرح‌شده علیه اصل استقلال، به منزله یکی از مؤلفه‌های اصلی مصالحه‌گرایی، از چنان قوتی برخوردارند که موجب طرح دو روایت متمایز از این رویکرد می‌شوند: مصالحه‌گرایی حداکثری و مصالحه‌گرایی تعدیل‌شده. در این رساله، استدلال خواهد شد که مصالحه‌گرایی تعدیل‌شده هم از اشکال‌ها به اصل استقلال در امان است و هم، به میزانی که لازم است، مانع مصادره به مطلوب می‌شود. بر اساس این استدلال، وقتی دلایلی قوی برای همتایی طرفین وجود ندارد، اولاً، می‌توان تلقی غیرمطلق از اصل استقلال داشت و از شواهدی که تا حدی جانبدارانه محسوب می‌شوند برای توجیه باور خود استفاده کرد؛ ثانیاً، می‌توان ملاک‌های معرفتی دستگاه معرفتی خود را برتر دانست و بر باور خود استوار ماند. نتیجه آن است که مصالحه‌گرایی تعدیل‌شده، برخلاف نامصالحه‌گرایی و مصالحه‌گرایی حداکثری، مبنای قابل دفاعی برای فهم و حل اختلاف نظر دینی به دست می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: اختلاف نظر معرفتی، اختلاف نظر دینی، مصالحه‌گرایی، نامصالحه‌گرایی، شواهد، یکتایی، اصل استقلال.

فهرست

۱	مقدمه
۱۳	فصل اول
۱۵	۱) اختلاف نظر متعارف و اختلاف نظر معرفتی
۱۹	۲) تقسیم‌های اختلاف نظر
۲۲	۳) اقسام پاسخ‌ها به مسئله اختلاف نظر
۲۴	۴) همتایی، فروتری، برتری معرفتی
۳۲	۵) اختلاف نظر و توجیه باور
۴۰	۶) گواهی کارشناسان
۴۲	۷) اختلاف نظر و ناقض معرفتی
۴۶	۸) اختلاف نظر و چالش نسبی‌گرایی
۵۳	فصل دوم
۵۵	۱) اختلاف نظر ایدئال
۵۵	۱-۱) همتایی معرفتی و اختلاف نظر ایدئال
۵۹	۲-۱) تقارن و عدم تقارن معرفتی
۶۳	۲) نامصال‌گرایی
۶۴	۱-۲) استدلال‌های نامصال‌گرایان در دفاع از نامصال‌گرایی و پاسخ‌های مصال‌گرایان
۶۴	۱-۱-۲) شواهد مرتبه‌اول، شواهد مرتبه‌بالا تر و شواهد شخصی
۶۸	۲-۱-۲) استدلال‌هایی در دفاع از نامصال‌گرایی و پاسخ‌های مصال‌گرایان
۸۵	۲-۲) استدلال‌های نامصال‌گرایان در دفاع از اصل نایکتایی عقلانی و پاسخ‌های مصال‌گرایان

۹۲	۳) مصالحه‌گرایی
۹۴	۱-۳) دیدگاه وزن‌دهی برابر و گرفتن حد وسط
۹۸	۴) بررسی و نقد دیدگاه مصالحه‌گرایی
۹۸	۱-۴) از منظر اختلاف‌نظرهای روزمره
۹۸	۴-۱-۱) توجیه آسان
۱۰۲	۴-۱-۲) شکاکیت
۱۰۹	۴-۱-۳) خودشکن بودن
۱۱۲	۴-۲) از منظر اصل استقلال
۱۱۲	۴-۲-۱) چالش اصل استقلال
۱۱۸	نمونه‌ای از انتقادات به اصل استقلال با تمرکز بر اختلاف‌نظر دینی
۱۲۳	۴-۲-۲) به سوی اصل استقلالی تعدیل‌شده

فصل سوم

۱۳۲	۱- اختلاف‌نظر دینی و تکثر ادیان
۱۳۵	۱-۱) تنوع دینی و الزام معرفتی
۱۳۶	۱-۲) تنوع دینی و باور موجه
۱۴۵	۱-۳) تنوع دینی و مدارای دینی
۱۵۰	۲- اهمیت اختلاف‌نظرهای دینی مرتبه‌اول و مرتبه‌دوم
۱۵۲	۲-۱) اختلاف‌نظر نقیض مرتبه‌اول و مرتبه‌بالا
۱۵۲	۲-۲) باور دینی و مسئله صلاحیت معرفتی داوری کردن

۱۵۹	۳-۲) اختلاف نظرهای بنیادین در مقابل اختلاف نظرهای سطحی
۱۶۳	۳- نایکتایی معرفتی در «باور دینی» و پاسخ‌های مصالحه‌گرایان
۱۶۸	۴- مصالحه‌گرایی دینی
۱۶۹	۴-۱) راهبرد مصالحه‌گرایانه حداکثری
۱۷۲	۴-۲) راهبرد مصالحه‌گرایانه معتدل دینی
۱۸۸	نتیجه
۱۹۳	منابع فارسی
۱۹۴	منابع انگلیسی

مقدمه

- برخی مسیحیان معتقدند که مسیح، به معنای واقعی کلمه،^۱ دوباره زنده شده است. برخی دیگر معتقدند، چون نجات از طریق مسیح صورت می‌گیرد، آموزه‌هایی که دربارهٔ دوباره زنده شدن مسیح‌اند، همگی استعاری یا به نوعی غیرحقیقی‌اند:^۲ مسیح، بعد از این که مُرد، واقعاً، با ماهیت زیستی‌اش، بازنگشت. از طرف دیگر، خدا باوران غیرمسیحی، لادریان و خداناباوران معتقدند که مسیح چه به صورت حقیقی و چه به شکل مجازی، هرگز دوباره زنده نشد.
- من و همسر من فکر می‌کنیم که باید آپارتمانی، نزدیک به محدوده‌ای که هر دو کار می‌کنیم، بخریم و قیمت آپارتمان در آن محدوده خیلی گران است. همسر من برخلاف من فکر می‌کند و مخالف خرید آپارتمان در آن محدوده است. ما دربارهٔ خوبی‌ها و بدی‌های این مسئله با هم بحث می‌کنیم. من با در نظر گرفتن مشکلات موجود، در خصوص رفت‌وآمدمان به محل کار و خانه، فکر می‌کنم که کاملاً واضح است که باید نزدیک به جایی که هر روز به آنجا رفت‌وآمد می‌کنیم، زندگی کنیم. اگرچه همسر من همهٔ این مسائل را می‌داند و به مشکلات و سختی‌های موجود به خوبی واقف است، اما نظری مخالف با نظر من دارد.
- الف معتقد است که سقط سه‌ماههٔ اول، در بیشتر موارد، از نظر اخلاقی پذیرفته نیست. او از این نظر آدم مطلعی است و می‌داند که جمع کثیری از افراد با او مخالف‌اند. خواهر الف، به تازگی باردار شده است و چون هنوز دانشجویست و شغلی پاره وقت دارد، نمی‌خواهد بچه‌دار شود. بنابراین به سقط جنین فکر می‌کند. او نظرش را با الف در میان می‌گذارد. اگر خواهر الف معتقد باشد که این تصمیم هیچ اشکالی ندارد، به‌ویژه برای او که در ماه‌های نخست بارداری است، الف به او چه خواهد گفت؟^۳

طرح مسئله

1. Literally

در این رساله برای معادل‌های واژگان انگلیسی اولاً، از معادل‌های جاافتاده در این حوزه استفاده شده است، ثانیاً، تلاش شده است در مورد واژگانی که چند معادل برایشان وجود داشته است، معادل بهتری که کم‌غلط‌تر استفاده شود. ثالثاً، در مورد معادل واژگانی که تاکنون در فارسی سابقه نداشته‌اند، با افراد صاحب صلاحیت در این حوزه مشورت شده و معادل انتخاب شده است. هیچ یک از معادل‌های موجود در این متن به انتخاب نگارنده، به تنهایی، نبوده است و دربارهٔ همهٔ آنها با اساتید ذی‌صلاح مشورت شده است.

2. non-literal

۳. مثال‌ها با اندکی تغییر از کتاب برایان فرنسیس (۲۰۱۴) گرفته شده‌اند.

اختلاف نظر رخداد شایعی است که می‌تواند در هر جایی و بر سر هر چیزی رخ دهد. می‌تواند در حوزه سیاست، دین، اخلاق، ورزش، فلسفه، تاریخ، علم، تجارت و حتی در زندگی روزمره، بر سر مسائل خرد و پیش‌پافتاده به وجود آید. اگر به سه مثالی که در بالا آمده است توجه کنیم، متوجه می‌شویم که حیطة بروز اختلاف‌نظرها تا چه حد می‌توانند متنوع و گسترده باشند.

همان‌طور که از مثال سقط جنین به نظر می‌آید، هر اختلاف‌نظری با دو مسئله حقیقی مواجه است: «چطور باید عمل کرد» و «چه باوری باید داشت». در این مثال الف همچنین با این پرسش نیز مواجه خواهد بود که (با فرض اینکه تعداد بی‌شماری از افراد بسیار عاقل با او درباره سقط جنین اختلاف نظر دارند) از کجا بداند نظرش درباره مسئله مورد مناقشه درست است، یا درست نیست. و به همین دلیل، با قطع نظر از اینکه الف چه موضعی داشته باشد، او برای اینکه «چطور عمل کند» و «چه باوری داشته باشد» با معضل بزرگی روبه‌رو خواهد بود.

از این رو، به اختلاف نظر می‌توان از دو منظر عملی و نظری پرداخت. چنانچه جنبه‌های عملی اختلاف نظر محل توجه باشد، به ابعاد اخلاقی آن پرداخته می‌شود و اگر جنبه‌های نظری آن مورد بررسی قرار گیرد، بعد معرفت‌شناختی اختلاف نظر محل بحث است. در این رساله، آنچه مسئله مورد بررسی ماست همین بعد معرفت‌شناختی اختلاف نظر است. در اینجا ابعاد عملی و جنبه‌های اخلاقی اختلاف نظر موضوع بحث ما نیستند و از آن‌ها می‌گذریم.

همه می‌دانیم که اختلاف‌نظرها می‌توانند همه جا و بر سر همه مسائل رخ دهند: در عرصه عمومی و زندگی خصوصی ما خودشان را نشان می‌دهند، در حوزه‌های جدی علمی یا در زمینه‌های پیش‌پافتاده زندگی روزمره بروز کنند، بین دو نفر یا بین دو گروه از افراد رخ دهند و ... اما پرسش مهم این است که این اختلاف‌نظرهای گسترده و متنوع از چه منظری مسئله یک پژوهش می‌تواند قرار بگیرند:

فرض کنید که شما مجموعه‌ای از شواهد را در اختیار دارید. پس از بررسی دقیق این شواهد به این نتیجه می‌رسید که آن شواهد مؤید گزاره P هستند (بنابراین باور می‌کنید که P). سپس آگاه می‌شوید که شخص دیگری، که او را همتای معرفتی خود به شمار می‌آورید با داشتن همان شواهد، $\sim P$ را پذیرفته است و به آن باور دارد. آیا آگاهی از این اختلاف نظر (از نظر معرفتی)، بر توجیه باور P تأثیری خواهد گذاشت؟ اگر آری، پس از آگاهی از چنین اختلاف‌نظری، واکنش معرفتی معقول نسبت به P، چه خواهد بود؟ تعیین واکنش معرفتی معقول به اختلاف نظر، پاشنه آشیل بحث ما در این رساله و به طور کلی در معرفت‌شناسی اختلاف نظر است و همه مباحث دیگر حول این مسئله مطرح می‌شوند.

تنها در مواقعی می‌توان از اختلاف نظر معقول سخن گفت که بین دو همتای معرفتی اختلاف نظری به وجود آید. همتای معرفتی کسی است که وزن شواهدش با وزن شواهد من برابر باشد. اموری نظیر هوش، استعداد، تحصیلات، توانایی‌های شناختی، دانش زمینه‌ای و شواهد روی هم رفته مجموعه‌ای را فراهم می‌کند که اصطلاحاً به مجموع آن‌ها عنوان «شواهد» را اطلاق می‌کنیم. در تعیین همتایی معرفتی هم وزن بودن این شواهد در دو طرف یک اختلاف نظر، محل توجه قرار می‌گیرد و اساساً تنها زمانی اختلاف نظری ارزش بررسی معرفتی دارد که دو طرف آن اختلاف دیگری را هم‌شان و هم‌تراز معرفتی خود محسوب کنند. وگرنه اختلاف نظری که طرفین یکدیگر را از نظر معرفتی فروتر از خود بدانند، هیچ چالش معرفتی‌ای برای توجیه باور مورد مناقشه، برای هیچ یک از طرفین اختلاف نظر به وجود نخواهد آورد. مثل اینکه برخی مؤمنان، ملحدان را افرادی محروم از فیض الهی و بی‌بصیرت می‌دانند و ملحدان نیز مؤمنان را افرادی متوهم و دچار آرزواندیشی‌های باطل و خیال‌پرداز محسوب می‌کنند. بین این دو گروه اختلاف نظر اهمیت معرفتی نخواهد داشت و روی توجیه باور طرفین اثری نمی‌گذارد. اما اگر مؤمنان و ملحدان برای یکدیگر شأن برابری قائل شوند (مثلاً از نظر تحصیلات، مطالعه، ارزش‌های اخلاقی، سلامت روانی و ...)، بروز اختلاف نظر دینی بین آنها ارزش معرفتی زیادی دارد و توجیه باور هر دو طرف را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در این حالت، طرفین دیگر نمی‌توانند به نحو موجهی همچنان بر باور قبلی خود استوار بمانند.

اختلاف نظر در دو مرحله رخ می‌دهد و می‌توان این دو را از هم تفکیک کرد. ۱) مرحله ایزوله: در این مرحله، فرد فقط با باور خودش به P مواجه است و چون باور او در این مرحله کاملاً بر مجموعه شواهدی مبتنی است که از آنها صدق P را نتیجه گرفته است، آن فرد در باور خود کاملاً موجه است. ۲) مرحله افشای کامل: در این مرحله دو طرف اختلاف نظر، از دیدگاه طرف مقابل خود نسبت به موضوع یکسانی آگاه و از شواهد یکدیگر مطلع می‌شوند و متوجه می‌شوند که با وجود یکسانی در شواهد یکی از آن‌ها به P معتقد است و دیگری با همان شواهد به $\sim P$. پرسش اصلی معرفت‌شناسی اختلاف نظر، یعنی «امکان موجه بودن باورهای افراد»، در این مرحله مطرح می‌شود.

توضیح دیگری که ذکر آن در مقدمه ضروری به نظر می‌رسد فهمی است که از باور وجود دارد. دو تلقی مختلف از باور را می‌توان در بین معرفت‌شناسان دید. تلقی اول که سابقه و گستره بسیار بیشتری نسبت به تلقی دوم دارد، تلقی همه یا هیچ است. در این فهم از باور، باور به صورت امری غیرمدرج تفسیر می‌شود، یعنی یا یک گزاره را باور می‌کنیم، یا آن را باور نمی‌کنیم و نقیض آن را باور می‌کنیم و یا در مورد آن گزاره نمی‌توانیم داوری‌ای داشته باشیم. بر این اساس می‌توان سه رویکرد ناظر به باور همه یا هیچ داشت: باور، باور به نقیض (disbelieve).

تعلیق یا امتناع از داوری. یعنی این که فرد در مقابل یک گزاره سه گزینه پیش روی دارد: ۱) آن گزاره را باور کند، یعنی نتیجه بگیرد که آن گزاره صادق است. ۲) نقیض آن را باور کند، یعنی نتیجه بگیرد که آن گزاره کاذب است. ۳) از داوری امتناع کند، یعنی نتیجه بگیرد که آن گزاره را نه می‌تواند صادق بشمرد و نه کاذب.

در مقابل فهم همه یا هیچ، فهم دیگری از باور وجود دارد که صورت مدرج دارد و بر «درجات اطمینان» تمرکز دارد. در اینجا بر اساس فهم مدرج از باور، می‌توان بی‌نهایت رویکردِ ناظر به باور داشت که طیفی از تابع‌های احتمال بین ۰ تا ۱ را در بر می‌گیرند (۰ بیان‌کننده حد اکثر اطمینان به کاذب بودن گزاره‌ای و ۱ بیان‌کننده حد اکثر اطمینان به صادق بودن یک گزاره است و درجات بین ۰ تا ۱ بیان‌گر درجات ضعیف‌تری از میزان اطمینان هستند). در این رویکرد به دلیل اینکه می‌توان درجات متنوعی از باور داشت و هر درجه از باور با درجه‌ای دیگر تعارض دارد، قابلیت بروز اختلاف نظر بسیار بیشتر از فهم همه یا هیچ است. مثلاً بین دو نفر که یکی ۰/۷ و دیگری ۰/۹ به طور موجهی به خدا اطمینان دارد، تعارض و اختلاف نظری وجود دارد، فرض کنید برای باور داشتن به معنای همه یا هیچ آن، کافی باشد که بیش از ۰/۶ به آن اطمینان داشته باشیم، در این صورت، با اینکه هر دوی این افراد روی هم رفته به خدا باور دارند، این که ما چنین اختلاف نظری را واقعاً اختلاف نظر حقیقی در باور محسوب کنیم یا اینکه فقط آن را اختلاف نظر در درجات اطمینان به باور بدانیم، بستگی به فهمی دارد که از باور داریم. اگر فهم همه یا هیچ داشته باشیم، این اختلاف نظر، اختلافی حقیقی در باور محسوب نمی‌شود، زیرا دو نفر دو رویکرد باوری متفاوت به گزاره واحد مورد نظر دارند و اگر فهم مدرج داشته باشیم، باید گفت که اختلافی وجود دارد، یعنی دو طرف دو رویکرد باوری متفاوت به گزاره‌ای واحد دارند (Christensen, 2007: 187).

هیچ یک از این دو تلقی از گرایش‌های باوری که ذکر کردیم، قانع‌کننده نیستند. دسته‌بندی سه‌وجهی (باور، باور به نقیض، تعلیق باور) برای ارائه یک رویکردِ ناظر به باور غنی و کیفی ناموفق است. زیرا با نگاهی گذرا درمی‌یابیم که رویکردهای باوری ما بیش از این سه دسته هستند و این سه دسته کردن رویکردهای باوری باعث می‌شود که خیلی از نوسان‌های باوری را نتوانیم توضیح دهیم. در مقابل، در فهم مدرج از باور، نوعی دقت کمی به باور تحمیل می‌شود، در حالی که تمایز بین باورها بیشتر کیفی است تا کمی. به همین دلیل در بحث اختلاف نظر برخی از معرفت‌شناسان نظیر کریستنسن کوشیده‌اند تا ضعف تلقی کیفی از باور را با کمک فهم کمی از باور ترمیم کنند^۱

۱. یکی از انتقاداتی که به تلقی همه یا هیچ گرفته می‌شود، احتمال بروز شکاکیت است که به دلیل بروز اختلاف نظر بین دو همتا و تعلیق داوری رخ می‌دهد، کریستنسن برای رفع این اشکال، تلقی مدرج از باور را مطرح می‌کند و می‌گوید در هنگام بروز اختلاف نظر بین دو همتای معرفتی و در غیاب یک شاهد محکم به نفع باور یکی از طرفین

(Christensen, 2007: 187-189). از طرف دیگر فهم کیفی از باور نیز به تنهایی کافی نیست و نواقص خودش را دارد. از این رو، بسیاری از فیلسوفانی که در زمینهٔ اختلاف نظر بحث کرده‌اند، وقتی از باور سخن می‌گویند ترکیبی از فهم کمی و کیفی از آن در نظر می‌گیرند (البته همهٔ فیلسوفان این رویکرد را ندارند، مثلاً فلدمن فقط تلقی همه یا هیچ را دارد و متیسن فیلسوف دیگری است که فهمی مرکب از هر دو جنبهٔ کمی و کیفی را ملاک کار خود قرار می‌دهد) (Matheson, 2015: 8-6؛ Feldman, 2009: 414-415).

یکی از حساس‌ترین حوزه‌هایی که در آن بروز اختلاف نظر بسیار شایع است، و البته نتایج معرفتی زیادی به بار می‌آورد، باورهای دینی است. برخی معتقدند بروز اختلاف نظر می‌تواند هم‌چون ناقضی توجیه باورهای دینی را تضعیف کند یا حتی از بین ببرد. از سوی دیگر، بسیاری معتقدند که حتی با وجود بروز اختلاف نظر، مؤمنان می‌توانند به نحو موجه و معقولی همچنان باورهای دینی خود را حفظ کنند و از آن دست نکشند. مسائلی نظیر، توجیه، نقض توجیه، اختلاف نظر معقول و ظاهری، درجات معرفتی اختلاف نظر، همتایی معرفتی، برتری معرفتی و داشتن صلاحیت معرفتی از جمله موضوعات محوری‌ای هستند که در این بحث مطرح می‌شوند و فصل سوم به آن اختصاص دارد.

اختلاف نظر دینی با اختلاف نظر در حوزه‌های دیگر اندیشه نظیر علم تفاوت بنیادینی دارد. آنچه این نوع اختلاف نظر را از اختلاف نظرهای علمی متمایز می‌کند و اهمیت و حساسیت بروز اختلاف نظر در این حوزه را بیشتر می‌کند، جنس متفاوت شواهد دینی است. شواهد در علم عموماً شواهدی آبژکتیو و قابل دسترسی همگانی هستند و دانشمندان در نزاع‌هایی که بر سر موضوعات مختلف، با آن‌ها مواجه‌اند، شواهدشان را بر یکدیگر عرضه می‌کنند و وزن، دقت، صحت و صدق این شواهد تعیین‌کنندهٔ نتیجهٔ این اختلافات خواهد بود. اما در حوزهٔ باور دینی وضع به کلی متفاوت است، زیرا جنس شواهد دینی کاملاً با شواهد علمی فرق دارد. در مورد دین، ما گاه با شواهدی از جنس تجربه مواجه‌ایم و گاه نیز شواهد مؤمنان برای مدعیاتشان برگرفته از متون مقدس دینی‌شان است که حتی وثاقت این متون نیز خود می‌تواند موضوع اختلاف نظر قرار بگیرد. شواهد مسلمانان کاملاً با شواهد مسیحیان متفاوت است و حتی در بین مسلمانان نیز شواهد اهل سنت ممکن است از شواهد شیعیان کاملاً متمایز باشد. این تفاوت‌ها و اختلافات در خصوص ارزش و وزن شواهد دینی نکته‌ای است که حوزهٔ اختلاف نظرهای

اختلاف، دو طرف از نظر معرفتی موظفند که درجهٔ اطمینان به باورشان را کم کنند. در این شرایط طرفین باورشان را نمی‌کنند و صرفاً درجهٔ اطمینان‌شان را تا حد ممکن کم می‌کنند و از این طریق خطر شکاکیت برطرف می‌شود (کریستنسن، ۲۰۰۷: ۱۸۷-۱۸۹).

دینی را به شکل مستقلی مطرح می‌کند و به خوبی اهمیت آن را نشان می‌دهد. در فصل سوم به بررسی این پرسش پرداخته‌ایم که آیا پس از بروز اختلاف نظر، مؤمنان می‌توانند به نحو موجهی هم‌چنان باورهای دینی‌شان را حفظ کنند، یا خیر. به بیان دیگر، آیا اختلاف نظر معقول می‌تواند شاهد مرتبه بالاتری علیه توجیه باورهای دینی باشد یا خیر. در این فصل تلاش کرده‌ایم تا مروری بر مسئله سنتی تکرار ادیان داشته باشیم و از این نظرگاه دعوی حقانیت هر یک از ادیان را در مواجهه با ادعاهای مشابه رقیب بررسی کنیم.

پرسش‌ها و فرضیه‌ها

با توجه به این توضیحات، پرسش اصلی این رساله این است: پس از بروز اختلاف نظر دینی، واکنش معرفتی معقول^۱ شخص باورمندی که به این اختلاف نظر واقف است، چیست؟ آیا موضع‌گیری مصالحه‌گرایی در مورد باور دینی موجه است، یا اینکه نامصلحه‌گرایان موضع معقولی دارند؟ برای پاسخ به این پرسش، باید به این پرسش‌های فرعی بپردازیم: اختلاف نظر معرفتی چیست و شرایط تحقق آن کدام است؟ چه پاسخ‌هایی به اختلاف نظر در باورهای دینی داده شده است؟ دیدگاه‌های طرح شده در پاسخ به اختلاف نظر در باورهای دینی چه نقاط قوت و ضعفی دارند؟ و آیا پس از بروز اختلاف نظر، مؤمنان می‌توانند به نحو موجهی باورهای دینی‌شان را حفظ کنند؟

پرسش اصلی محور این پژوهش (به بروز اختلاف نظر چه واکنشی باید نشان داد؟)، پرسشی هنجاری^۲ است و نباید آن را به غلط پرسشی توصیفی^۳ دانست که فقط درصدد پرسش از واکنش‌های رفتاری^۴ افراد مختلف در مقابل اختلاف نظر است. در اینجا ما با *باید‌های* هنجاری سر و کار داریم. یعنی واکنش معرفتی معقولی که فرد پس از مواجهه با اختلاف نظر باید داشته باشد. به همین دلیل است که از آن با عنوان *واکنش معرفتی معقول* یا *رویکرد باوری*^۵ معقول سخن می‌گوییم تا معرفتی بودن آن را نشان دهیم و بر وجه هنجاری‌ای که این رویکرد معرفتی دارد تأکید کنیم (Matheson, 2015: 2). پرسش ما در این جا هنجاری است، چون توجیه امری هنجاری است و

۱. در سراسر این رساله منظور از واژه معقول و نامعقول، معنای معرفت‌شناختی آن است که معنایی است عام‌تر از توجیه و هرگز معنای روزمره آن به معنی احمق مراد نیست. جلوتر در فصل اول معانی مختلف معقول و مرادمان از این واژه را روشن کرده‌ایم.

2. Normative question
3. Descriptive question
4. Action
5. Doxastic attitude

از آنجایی که از واژه *believe* در زبان انگلیسی نمی‌توان صفت ساخت، در متون معرفت‌شناسی هر جا که لازم است صورت صفتی این واژه بیاید، از واژه *doxa* استفاده می‌شود و از آن واژه *doxastic* ساخته می‌شود. واژه *doxa* در متون معرفت‌شناسی صرفاً معنای باور دارد و نظیر فلسفه افلاطون به معنای گمان نیست.

مسئله اصلی در معرفت‌شناسی توجیه است. ما با باید و نبایدهای معرفتی سر و کار داریم که باور را موجه یا توجیه آن را خراب می‌کنند. بعد توصیفی محل بحث ما در این رساله نیست، هرچند که ممکن است به نوبه خود اهمیت زیادی نیز داشته باشد. اگر بخواهیم موضوع این رساله را به نحو بسیار جزئی‌تری محدود کنیم، باید بگوئیم که محتوای این پژوهش بررسی این پرسش اصلی و پاسخ‌هایی است که می‌توان به آن داد (البته بحث ما در فصول میانی رساله خاص‌تر می‌شود و فقط باور دینی و اختلاف‌نظرهایی که پیرامون آن مطرح می‌شوند را مدنظر قرار می‌دهد).

برای کسب فهم صحیح از پرسش اختلاف‌نظر باید سه جنبه اصلی‌ای را که این پرسش دارد از هم متمایز کنیم و مستقلاً به هر یک از این سه بپردازیم:

(۱) معقول بودن: همان‌طور که اشاره کردیم منظور از معقول بودن در این جا معقولیت معرفتی است. گاهی ممکن است به خطا تصور شود منظور از مجاز بودن و معقول بودن، معقولیت عملی است. یعنی اینکه در هنگام مواجهه با اختلاف‌نظر انجام چه کاری از نظر اخلاقی مجاز و معقول است یا از سر مصلحت چنین است. این فهم از معقولیت در بحث ما جایی ندارد. وقتی در بحث اختلاف‌نظر از معقول بودن یک واکنش به اختلاف‌نظر حرف می‌زنیم، معقولیت معرفتی را در نظر داریم. به عبارت دیگر، کدام واکنش به اختلاف‌نظر از نظر معرفتی مجاز است و توجیه آن با هیچ ناقضی روبه‌رو نیست.

(۲) اشاره کردیم که اختلاف‌نظر اشکال مختلفی دارد، برخی بسیار ساده و پیش‌پا افتاده و برخی بسیار بغرنج هستند. در اختلاف‌نظرهای پیچیده تعیین موضع معرفتی طرفین (برتری، فروتری، همتایی) و به تبع آن یافتن واکنش معرفتی درست به اختلاف‌نظر دشوارتر است. آنچه تعیین‌کننده اهمیت اختلاف‌نظر است، سطوح مختلف فهم طرفین از یکدیگر است. هرگاه طرفینی فهم عمیقی بر اساس مؤلفه‌های اختلاف‌نظر از هم داشته باشند، مثلاً، آگاه باشند که هوش طرف مقابل از آنها بیشتر است، اما تمرکز و زمانی که طرف مقابل برای موضوع مورد مناقشه صرف کرده، بیشتر از او بوده است، یا اینکه شواهد دیگری بهتر از شواهد من است، اما من توانایی‌های معرفتی بیشتری دارم و ... سبب می‌شود که درجات مختلفی از یک اختلاف‌نظر فهمیده شود و هر چقدر برابری‌های طرفین در مؤلفه‌های اختلاف‌نظر بیشتر شود، اختلاف‌نظر به صورت جدی‌تر و حیاتی‌تری بین طرفین بروز خواهد کرد. زیرا تعیین برتری یکی از طرفین بر دیگری بسیار دشوارتر از پیش خواهد شد.

۳) سومین نکته کلیدی که در خصوص اختلاف نظر باید آن را تدقیق کنیم باور است. گفته می‌شود که در اختلاف نظر معرفتی موضوع مورد مناقشه یک باور است. منظور از باور چیست؟ در اختلاف نظر بسته به اینکه ما چه فهمی از باور داشته باشیم، یافتن پاسخ مناسب به اختلاف نظر تفاوت خواهد داشت. دو تلقی اصلی از باور ممکن است وجود داشته باشد: باور به مثابه *داوری* از هر نظر *سنجیده*^۱ و باور به مثابه *گرایش غیر مبتنی بر گواهی*^۲. وقتی در اختلاف نظر مراد از باور معنای اول است، پاسخ دادن به آن به دلایلی که پیش از این ذکر کردیم بسیار دشوار است. و اگر مراد از باور معنای دوم باشد، اختلاف نظر بین افراد جدی نخواهد بود. زیرا دیگر هرکس در مورد هر موضوعی نظر شخصی‌ای برای خودش خواهد داشت. چیزی شبیه به حس یا سلیقه شخصی افراد نسبت به موضوعات و مسائل مختلف که در افراد مختلف طیف متنوعی از نظرات را می‌تواند بسازد:

الف) داوری از هر نظر *سنجیده*: در این حالت باور صورت گزاره‌ای را دارد که از طریق جملات اخباری کاملی بیان می‌شود و وقتی شما آن را صادق بدانید، یعنی به چیزی باور دارید و وقتی آن را کاذب بدانید، یعنی به نقیض چیزی باور دارید. این معنا از باور همان معنایی است که در معرفت‌شناسی مورد نظر است و در بحث اختلاف نظر نیز از چنین باوری با این ویژگی‌ها صحبت می‌شود. برای چنین باوری باید شاهد داشت و چنانچه ناقصی^۳ برای آن وجود داشته باشد، توجیه آن خراب می‌شود و دیگر حفظ کردن آن معقول نیست.

ب) *گرایش غیر مبتنی بر گواهی*: در این حالت باور صرفاً یک اظهار نظر شخصی است. نوعی *گرایش شناختی* بی‌درنگ که بر هیچ نوع شاهد یا گواهی‌ای مبتنی نیست و فرد پس از اینکه نظرش در مورد چیزی پرسیده می‌شود، آن را اظهار می‌کند. صورتی از واکنش *بلادرنگ* به شواهد محدود و ناقص است. باور، به این معنا، را حتی در علم هم می‌توان دید. مثلاً، بر اساس پیشرفت‌های اخترشناسی سال‌هاست که ثابت شده است که زمین به دور خورشید می‌چرخد. اما همچنان ممکن است که مسیحی کاتولیکی پیدا شود که بگوید به نظر من این خورشید است که به دور زمین می‌چرخد. در این مثال نظر این فرد کاتولیک نامعقول است، چون اظهار نظر او در این موضوع بر هیچ شاهد و دلیلی نیز استوار نیست. در اینجا او در مورد این موضوع نظری داده است و ما فقط به تسامح نظر او را باور او معرفی می‌کنیم (Frances, 2014: 83-85).

1. overall considered judgment
2. inclination non-testimonial
3. Defeater

در بحث ما در این رساله «ناقض» هیچ ربطی به «تناقض» در منطق ندارد و آنچه از ناقض مراد ماست، همان است که در معرفت‌شناسی جدید در مقابل شاهد مطرح می‌شود. مثلاً، می‌گوییم رأی دادگاه نقض شد. یعنی شهادی ارائه شد که قوتش از شاهد طرف مقابل بیشتر بود و آن شاهد را کنار زد و بر آن غلبه پیدا کرد.

اهمیت تحقیق

بروز اختلاف نظر در بین باورمندانی که هر یک برای باور خویش دلیلی ارائه می کنند و از دلایل کسانی که با آنها مخالفت می کنند آگاه اند، از جمله مسائلی است که پیامدهای معرفتی مهمی می تواند داشته باشد. به نظر برخی متفکران، بروز اختلاف نظر دینی، در نظر اول، می تواند توجیه اولیه باورهای دینی را از بین ببرد یا لاقلاً تضعیف کند و به عبارت دیگر، ناقضی برای آن باشد. وجود کثرت ادیان و نیز اختلافات بسیاری که در درون ادیان وجود دارد و به شکل گیری انشعاب های بسیار در آنها منجر شده است، نمونه ای از اختلاف نظرهای دینی است که می تواند پیامدهایی معرفتی برای توجیه باورهای دینی داشته باشد. به دلیل همین پیامدهای معرفتی است که بررسی معرفت شناختی اختلاف نظر دینی اهمیت دارد. اختلاف نظر معرفتی مسئله ای است که بر دیگر مسائل معرفت شناختی نیز سایه می افکند و می تواند نقش تعیین کننده ای در بسیاری از مناقشه های معرفتی داشته باشد. برای نمونه، ارزیابی معرفت شناختی اختلاف نظرهای دینی در فهم تکثر ادیان و داوری درباره حقانیت آنها اهمیتی بسزا دارد. همچنین طرح سوالات و پاسخ های ناظر به مسئله اختلاف نظر دینی فهم ما را از ماهیت باورهای دینی عمیق تر می کند و برای مثال، نشان می دهد که باورهای دینی چه نسبتی با آن ساختارهای فرهنگی دارند که در درون آنها شکل می گیرند و تا چه میزان به طور مستقل مبتنی بر ادله و شواهدند.

پیشینه تحقیق

سابقه طرح بحث معرفت شناسی اختلاف نظر در زبان فارسی بسیار کوتاه است و تقریباً می توان گفت که هیچ سابقه ای ندارد. تاکنون هیچ تحقیق جدی و مبسوطی در زمینه معرفت شناسی اختلاف نظر دینی به زبان فارسی تألیف یا ترجمه نشده است. در حالی که رجوع به منابع اصلی معرفت شناسی و معرفت شناسی باور دینی در یک دهه اخیر نشان می دهد که اختلاف نظر دینی یکی از مسائل مهم مورد بحث بین معرفت شناسان بزرگ بوده است. کمبود منابع به زبان فارسی و خالی بودن جای این موضوع در مباحث معرفت شناختی و دین پژوهی در کشور ما، اهمیت توجه به این موضوع را به خوبی نشان می دهد. امید است تا پژوهش حاضر بتواند گامی در راستای طرح بیشتر این موضوع در فضای فلسفی کشور باشد و بتواند ضمن طرح دیدگاه های موجود درباره اختلاف نظر دینی و ارزیابی آنها پاسخی موجه به این مسئله فراهم کند.

اگرچه اختلاف نظر معرفتی قدمتی به اندازه تاریخ تفکر فلسفی دارد، طرح مستقل آن در معرفت‌شناسی به یکی دو دهه اخیر مربوط می‌شود؛ از این رو می‌توان گفت، اختلاف نظر موضوعی‌ای قدیمی با صورت‌بندی جدید است. در زبان انگلیسی نیز این موضوع، به علت جدید بودن آن، ادبیات بسیار وسیعی ندارد و بیشتر آثاری که در این باره انتشار یافته به سه دهه اخیر مربوط می‌شود. ابه دلیل بروز مسائل نظری و مشکلات عملی ناشی از اختلاف نظرهای دینی در دهه‌های اخیر، توجه به این موضوع رشد روزافزونی دارد و بسیاری از نشریات معتبر فلسفی و معرفت‌شناختی جهان بخشی را به مقالاتی در این موضوع اختصاص داده‌اند.

سیر بحث

برای بررسی موضوع اختلاف نظر دینی ابتدا لازم است که مباحث عام معرفت‌شناسی اختلاف نظر مطرح شود و آراء و دیدگاه‌های مختلف معرفی شوند تا بعد بتوان به مسئله خاص اختلاف نظر دینی پرداخت که اگر نگوییم مهم‌ترین، قطعاً یکی از مهم‌ترین مصادیق اختلاف نظر است و نتایج معرفتی بسیاری به دنبال دارد. به همین دلیل، در این رساله ابتدا به تشریح مفاهیم، معرفی اصطلاحات اصلی بحث، معرفی جغرافیای بحث و تدقیق بیشتر موضوع می‌پردازیم و فصل اول را به بیان مقدمات مهمی اختصاص داده‌ایم که برای پیش بردن مباحث مطرح رساله به آنها نیاز داریم.

در فصل دوم با استفاده از مفاهیم عام معرفت‌شناسی اختلاف نظر به بررسی بیشتر موضوع می‌پردازیم. مسئله را روشن‌تر می‌سازیم، جنبه‌های چالش‌برانگیز بودن اختلاف نظر از نظر معرفتی را نشان می‌دهیم، گرایش‌ها و رویکردهای باوری اصلی نسبت به مسئله اختلاف نظر را معرفی می‌کنیم و استدلال‌های مصالحه‌گرایان و نامصلحه‌گرایان را بررسی می‌کنیم.

«مصلحه‌گرایی»^۱ و «نامصلحه‌گرایی»^۲، دو رویکرد اصلی به مسئله اختلاف نظر هستند که در این رساله به نحو مفصلی به معرفی و بررسی هر دو رویکرد پرداخته‌ایم. مصالحه‌گرایان برای اختلاف نظر ارزش معرفتی قائل‌اند و آن را ناقص توجیه باور قبلی محسوب می‌کنند. رویکرد مصالحه‌گرایی در مواجهه با اختلاف نظر معقول، دست کشیدن از باور قبلی است. آنان معتقدند که دو طرف اختلاف یا باید از باور خود دست بکشند و داوری را تعلیق

1. Conciliatory View
2. Steadfast view

کنند، یا باید درجه اطمینان به باورشان را تا آنجا پایین بیاورند که موضع‌شان به هم نزدیک کنند، تا جایی که اختلاف نظر از بین برود، یا باید داوری را تا یافتن شواهد بیشتر و بهتر که تعیین کننده باشد، تعلیق کنند. فلدمن، کریستنسن، متیسن و فرنسیس از جمله افرادی هستند که به این موضع معتقدند و در این پژوهش به دفعات به بیان و بررسی دیدگاه آنها پرداخته‌ایم. اما از نظر نامصالحه‌گرایی اگرچه بروز اختلاف نظر شاهدهی علیه باور اولیه ماست، نمی‌تواند توجیه باور ما را در همه زمینه‌ها تضعیف کند. پیترو و اینوگن، پلنتینگا و توماس کلی از متفکران اصلی‌ای هستند که به این رویکرد معتقدند و در رساله دیدگاه آنها را بررسی کرده‌ایم. مطابق مصالحه‌گرایی، اختلاف نظر دینی توجیه باور دینی را تضعیف می‌کند و این امر وظیفه تعلیق یا طرد باورهای دینی را بر عهده فرد متدین می‌گذارد. اما بر اساس نامصالحه‌گرایی، فرد متدین می‌تواند با در نظر گرفتن شرایط معرفت‌شناختی خاصی، باور خود را به نحوی موجه حفظ کند.

در انتهای این فصل به بررسی انتقاداتی می‌پردازیم که از منظر نامصالحه‌گرایی و نیز از منظر خود مصالحه‌گرایان (چالش اصل استقلال) به مصالحه‌گرایی وارد شده است. تلاش کرده‌ایم تا پاسخ مصالحه‌گرایان به این انتقادات را نیز بیاوریم و نشان دهیم که مصالحه‌گرایی با وجود همه این انتقادات همچنان دیدگاهی قابل دفاع و موجه است.

در فصل سوم رساله که نقطه اوج پژوهش حاضر است مباحث پیرامون مسئله اختلاف نظر دینی می‌گردد. در ابتدای این فصل به پیشینه‌ای از بحث تنوع ادیان در فلسفه دین اشاره کرده‌ایم تا بتوانیم پیوند مباحث معرفت‌شناختی جدید را با مباحث قدیمی‌تر برقرار کنیم. سپس بحث خود را در معرفت‌شناسی اختلاف نظر در باور دینی پیش برده‌ایم و با ذکر مباحثی نظیر مسئله صلاحیت‌های معرفتی دینی یا جنس شواهد دینی وارد عمق اختلافات موجود در ادیان شده‌ایم. در پایان این فصل با ذکر روایت تعدیل شده‌ای از دیدگاه مصالحه‌گرایی (شرحش در پایان فصل دوم آمده) به دفاع از رویکرد باوری مصالحه‌گرایی در قبال اختلاف نظرهای دینی پرداخته و نشان داده‌ایم که چطور با اتخاذ این رویکرد، مؤمنان می‌توانند پس از مواجهه با اختلاف نظر، ضمن اینکه برای اختلاف نظر ارزش معرفتی نقض‌کنندگی قائل‌اند، همچنان بر باور مؤمنانه خود استوار بمانند و در این کار موجه نیز باشند. در فصل آخر، فصل نتیجه‌گیری، نیز نشان می‌دهیم که از نظر نگارنده رأی مصالحه‌گرایی تعدیل شده در زمینه اختلاف نظرهای دینی، پاسخ بدیع و قابل قبولی است که راهی بر چالش موجود می‌گشاید.

در سراسر این رساله ضمن طرح دیدگاه‌ها و طبقه‌بندی آن‌ها، نقد آن‌ها نیز آمده است و نگارنده تلاش کرده است تا الگویی سازوار و موجه برای تبیین اختلاف‌نظر دینی و ارزیابی تأثیر این اختلاف‌نظر در توجیه‌پذیری باورهای دینی ارائه کند.

فصل اول

اهمیت معرفتی اختلاف نظر دینی

فهرست مطالب این فصل

- ۱) اختلاف نظر متعارف و اختلاف نظر معرفتی
- ۲) تقسیم‌های اختلاف نظر
- ۳) اقسام پاسخ‌ها به مسئله اختلاف نظر
- ۴) همتایی، فروتری، برتری معرفتی
- ۵) اختلاف نظر و توجیه باور
- ۶) گواهی کارشناسان
- ۷) اختلاف نظر و ناقض معرفتی
- ۸) اختلاف نظر و چالش نسبی‌گرایی